

Research Article

A Comparison between the Politics of Conservatism and Reformism in the Islamic Republic of Iran^{1*}

Karim Ghasemi¹, Mohammadreza Aghareb parast², Esmail Shafiee³

¹ PhD Student, Political Science, Department of Political Science, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran. karimghasemi912@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran (**Corresponding Author**), aghareb@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Shahreza, Iran. esmaeilshafiee@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to compare the policies of two political approaches in the Islamic Republic of Iran known as conservatism and reformism. To this aim, using the descriptive-historical method and Laclau and Mouffe's discourse theory as the theoretical framework of the study, it was attempted to comparatively delve deep into the policies of conservatism and reformism in Iran. The results indicate that the identities and competitions in the intellectual framework of conservatism rely upon a fundamental concept known as "Willayat" (guardianship) so under the influence of this perception, they believe in the legitimacy of the establishment and a rather conservative political system. However, in the intellectual system of reformism, "people" have a central role as the reformists believe in the legitimacy of people and an open political system. Each of the above approaches attempt to have hegemony in the political realm, highlight their meaningful system, deconstruct, and marginalize their rival.

Keywords: Conservatism, Reformism, Willayat (Guardianship), People, Politics

1. **The present article is extracted from:** the Ph.D. thesis entitled "A Comparative Analysis between the Intellectual Principles, Programs, and Objectives of Conservatism and Reformism in the Islamic Republic of Iran" by Karim Qasemi, supervised by Mohammad Reza Aqareb Parast, department of the political science, faculty of humanities, Azad university of Shahreza, 1399.

* **Received:** 2020/05/26 ; **Accepted:** 2020/08/15

** Copyright © the authors

مقایسه مواضع سیاسی دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران^۱

کریم قاسمی^۱، محمدرضا اقبالپرست^۲، اسماعیل شفیعی^۳

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا،

شهرضا، ایران. karimghasemi912@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا،

شهرضا، ایران (نویسنده مسئول). aghareb@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شهرضا، ایران.

esmaeilshafiee@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه مواضع سیاسی دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران بود. در این راستا و با روش توصیفی-تاریخی و با استمداد از نظریه گفتمان لاکلا و موفه به عنوان چارچوب نظری پژوهش، دیدگاه‌های سیاسی دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی مورد واکاوی و مقایسه قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آنست که هویت‌ها، غیریت‌ها و رقابت‌ها در منظومه فکری اصول‌گرایان، حول مفهوم بنیادینی به نام «ولایت» شکل می‌گیرد و آنها متأثر از این بینش، به مشروعیت از بالا و یک سیستم سیاسی نسبتاً بسته اعتقاد دارند اما متأثر از اینکه در منظومه فکری اصلاح‌طلبان، «مردم» نقش دال مرکزی را بازی می‌کنند، آنها به مشروعیت از پایین و یک سیستم سیاسی باز معتقدند و هر کدام از این رویکردها به منظور هژمون کردن خود در عرصه سیاسی، تلاش در برجسته‌سازی نظام معنایی خود و بالتبع ساختارشکنی و به حاشیه راندن نظام معنایی رقیب دارند.

کلیدواژه‌ها: اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبی، ولایت، مردم، مواضع سیاسی.

۱. اثر حاضر برگرفته از: رساله دکتری کریم قاسمی، با عنوان: بررسی مقایسه‌ای مبانی فکری، برنامه‌ها و اهداف دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران، استاد راهنما: محمدرضا اقبالپرست، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ارائه شده در سال ۱۳۹۹ است.
* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

۱. مقدمه

ظهور و بروز رویکردهای اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در سپهر انقلاب اسلامی و رقابت آنها برای هژمونیک^۱ شدن در عرصه سیاسی کشور، یکی از جذاب‌ترین جلوه‌های تاریخ سیاسی معاصر ایران بعد از وقوع انقلاب اسلامی است. اما به راستی، تقابل این دو طیف مهم و تاثیرگذار که هر دو از یک آبشخور سرچشمه گرفته و از دال‌ها و نظام معنایی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی استفاده می‌نمایند، براساس چه سازوکاری است؟ این دو رویکرد برای بقاء خود و برای جلب نظر و آراء مردم، چه برنامه‌هایی دارند؟ آیا به رشد و توسعه پایدار و مصالح و منافع ملی می‌اندیشند یا صرفاً دغدغه تداوم حیات سیاسی و تأمین منافع فردی و جناحی خویش را دارند؟ «ولایت» به عنوان نخ تسبیح نظام اسلامی و «مردم» به عنوان صاحبان اصلی انقلاب، در منظومه فکری آنها از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار هستند؟ مسائل مختلف سیاسی در نظام معنایی این رویکردها دارای چه مفهومی است و آنها چگونه سعی در برجسته‌سازی و هژمونیک کردن نظام معنایی خود و بالتبع ساختارشکنی و به حاشیه راندن نظام معنایی رقیب دارند؟

یکی از جلوه‌های برجسته تاریخ سیاسی معاصر ایران، وقوع انقلاب و روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی است. نیروهای موثر در پیدایش انقلاب اسلامی مانند انقلاب‌های دیگر کوشش نمودند تا بیشترین تاثیر را بر روند اداره کشور بگذارند و این روند را براساس اهداف، ارزش‌ها و ایدئولوژی خود شکل دهند. از جمله رویکردهای مهم بعد از انقلاب اسلامی که به منظور هژمونیک شدن در عرصه سیاسی کشور در حال رقابت هستند، دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی می‌باشند که ابهام در مواضع سیاسی آنها، زمینه را برای سوءاستفاده گروه‌ها و جریانات فاقد شناسنامه فراهم می‌آورد تا در فصل انتخابات با استفاده ابزاری از آراء و اندیشه عوام در قدرت سهیم شوند. علاوه بر این، ابهام در شاخص‌های عملکردی اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان، تصمیم‌گیری مردم در انتخابات‌های مختلف به منظور گزینش مسئولین نظام را با تردید توأم نموده و آگاهانه و اثربخش بودن مشارکت سیاسی آنان را نامطمئن می‌سازد.

هدف پژوهش حاضر تشریح و مقایسه مواضع سیاسی اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان در جمهوری اسلامی ایران است و اینکه این دو طیف سیاسی، بر مبنای چه مضامین و مفاهیمی، سیاست‌های خود را اتخاذ و اعمال می‌کنند.

به عبارت دیگر، پژوهش حاضر به دنبال کشف تفاوت‌ها و تشابهات دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران از حیث دیدگاه‌ها و برنامه‌های سیاسی است.

پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی-تاریخی است که در آن از نظریه گفتمان لاکلا و موفه^۱ به عنوان چارچوب نظری پژوهش بهره برده است. این نظریه جزء روش‌های پسامدرن است، اما این پژوهش بدون اینکه به مبانی فکری پست‌مدرنیسم اعتقادی داشته باشد، صرفاً از آن به عنوان یک روش استفاده نموده است.

نظریه گفتمان لاکلا و موفه می‌تواند به‌مثابه ابزاری برای آسیب‌شناسی و خودترمیمی گفتمان‌های هژمون مورد استفاده قرار گیرد و ادامه استیلای آنها را بر ساحت اجتماع و سیاست میسر سازد. البته این قابلیت، کارکردی دوگانه دارد، چرا که از سوی دیگر نیز می‌تواند گفتمان‌های رقیب را یاری دهد تا با شناخت دال‌های خالی گفتمان‌های مسلط و اسطوره‌سازی براساس آن، زمینه‌های بی‌قراری و ساختارشکنی و در نهایت فرود آمدن رقیبان از موقعیت هژمونیک را فراهم سازند. در عرصه نظری، گفتمان لاکلا و موفه هم در قامت یک روش و هم در قامت یک نظریه راه را برای ورود تحلیل‌گران به ساحت پدیده‌های سیاسی - اجتماعی با رویکردی توصیفی - تحلیلی و رعایت بی‌طرفی علمی می‌گشاید.

دال مرکزی در نظریه گفتمان لاکلا و موفه به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد و گفتمان، منظومه‌ای منسجم بوده و دال برتر، هسته مرکزی آن است و نیروی جاذبه دال مرکزی، سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند. «انسجام معنایی» در سایه مفصل‌بندی دال‌ها حول دال مرکزی حاصل می‌شود. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و هژمونی یک گفتمان است.

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و مقیاس جامعه هدف یا همان سطح تحلیل این پژوهش، کلان و در سطح نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. جامعه آماری پژوهش شامل همه کسانی بوده که ذیل دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در دوره جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش در این است که تبیین مواضع سیاسی و مولفه‌های دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی و مقایسه آنها می‌تواند آگاهی سیاسی مردم را افزایش داده و در راستای اتخاذ تصمیم آگاهانه و اثربخش آنها در گزینش مسئولین نظام مفید واقع شود، مانع از سهیم شدن جریانات فاقد شناسنامه در قدرت شده و به برنامه‌ریزی بهتر مدیران و سازمان‌ها کمک کند و منتج به کارآمدی نظام شود. در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که در راستای پژوهش حاضر می‌باشند، اشاره می‌گردد:

حیدری (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مقایسه گفتمان‌های بعد از انقلاب: اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی»، ضمن تبیین محورهای اندیشه گفتمان‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، تولیدکنندگان این گفتمان‌ها را معرفی و زمینه‌های ظهور دو گفتمان و سیر تحول آنها را در دهه‌های بعد از انقلاب به تصویر کشیده و به آسیب‌شناسی آنها پرداخته است.

قائم‌طلب (۱۳۸۹)، نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تطبیقی دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی با تاکید بر سیاست خارجی (۱۳۷۶-۱۳۸۸)»، با توجه به نظام ارزشی حاکم بر سیاست داخلی کشور و بررسی دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در دهه سوم انقلاب در تقابل با گفتمان‌های عرصه بین‌الملل از جمله نومحافظه‌کار آمریکایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده است.

میرزایی (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تحلیل تقابل گفتمانی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در انتخابات دهم ریاست جمهوری از منظر تحلیل گفتمان»، با یافتن مفصل‌بندی وقته‌های گفتمان‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در انتخابات دهم ریاست جمهوری، تقابل گفتمانی آنها را در آن مقطع تحلیل و بررسی نموده است.

از ویژگی‌های اصلی پژوهش حاضر که آن را از موارد مشابه مجزا می‌کند، این است که این پژوهش علاوه بر گسترش مرزهای دانش و آگاهی سیاسی مردم و ممانعت از قدرت گرفتن جریان‌های فاقد شناسنامه، با تشریح پتانسیل‌ها و آسیب‌های دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، سبب می‌شود که هر کدام از این رویکردها پس از شناسایی نقاط ضعف خود، در راستای مرتفع نمودن آنها تلاش کنند تا بقاء و هژمونیک شدن خویش را در عرصه سیاسی تضمین نمایند و این رقابت سازنده آنها، منتج به کارآمدی و پیشرفت نظام اسلامی خواهد شد.

۲. فضای رویکردی حاکم بر انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد اختلاف‌نظرهایی پیرامون مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در حاکمیت بوده‌ایم و این در طول زمان باعث شده است تا دیدگاه‌های نزدیک به هم حول یک محور گرد آیند. رویکرد انقلاب اسلامی با رویکرد سلطنت و رویکرد جمهوری اسلامی با رویکرد غرب‌غیریت‌سازی کرد. با تحلیل انقلاب اسلامی مشخص می‌شود که امام خمینی به عنوان دال مرکزی بین عناصری از سنت و اسلام (روحانیت، ولایت و فقه) و عناصری از تجددگرایی و جمهوریت (مردم، قانون و آزادی) مفصل‌بندی نمود. اگرچه رویکردهای برخاسته از تجددگرایی و سنت‌گرایی دارای دال‌هایی ناسازگار و دارای تضاد ذاتی بودند، ولی در سایه فضای استعاری رویکرد انقلاب اسلامی، همه آنها با هم حول شخصیت «امام» مفصل‌بندی شدند (حقیقت، ۱۳۹۴، ص ۶۴۷).

۳. زمینه‌های شکل‌گیری دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی

برای تشریح چگونگی شکل‌گیری دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی لازم است ریشه‌های آن را در ابتدای انقلاب جستجو کنیم.

سنت‌گرایی و تجددگرایی در فضای سیاسی اجتماعی ایران همواره دو نیروی متعارض بنیادین و پیش‌راننده تحولات اجتماعی بوده‌اند و تضاد میان رویکردهای اصول‌گرا و اصلاح‌طلب ریشه در تضاد میان تجددگرایی و سنت‌گرایی دارد.

حضور تجددگرایی و سنت‌گرایی را می‌توان در مفصل‌بندی «اسلامی» و «جمهوری» در کنار هم، در ترکیب «جمهوری اسلامی» یافت. انقلاب اسلامی که به شکل نظام سیاسی جمهوری اسلامی تبلور یافت، حاصل مفصل‌بندی دو نشانه مهم جمهوریت و اسلامیت

بود. اسلام، روحانیت، فقه و ولایت فقیه ریشه در سنت‌گرایی دارند و جمهوری، مردم، قانون و آزادی، ریشه در تجددگرایی دارند. این دو گروه ناسازگار، حول شخصیت امام خمینی مفصل‌بندی شدند و علت ایجاد چنین اتحادی بین سنت‌گراها و تجددگراها، وجود کاریزماتیک امام خمینی بود.

اصلاح‌طلبی یک دال شناور بود که تا پیش از برگزاری هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در بهار ۷۶، به عنوان یک عنصر، سال‌ها در حوزه گفتمانگی انقلاب اسلامی قرار داشت که چند سال پس از حاکمیت گفتمان انقلاب اسلامی در ایران، از حوزه گفتمانگی خارج شد و بر فضای سیاسی جامعه استیلاء یافت.

براساس نظریه تحلیل لاکلا و موفه، چگونگی شکل‌گیری و تحول رویکرد اصلاح‌طلبی در دهه ۱۳۷۰ در ایران تنها با قرار دادن آن در مقابله با رویکرد اصول‌گرایی امکان‌پذیر است، زیرا آنچه که این رویکرد را به چالش می‌کشد و توسط آن به چالش طلبیده می‌شود، رویکرد اصول‌گرایی است (همان، ص ۶۴۵).

از اواخر دهه ۱۳۷۰ و به‌طور خاص از سال ۱۳۷۸ در شرایطی که اصلاح‌طلبان، سرمست از پیروزی دوم خرداد ۷۶، رقبای خود را محافظه‌کار و اقتدارگرا قلمداد می‌کردند، اصطلاح اصول‌گرایی به ادبیات سیاسی کشور وارد شد. قدرت یافتن رویکرد اصول‌گرایی به واسطه فرآیندهای دوگانه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی بوده است. اصول‌گرایان با ساختارشکنی رویکرد رقیب و به حاشیه راندن دال‌های آن و با برجسته‌سازی و هژمونیک کردن دال‌های مدنظر خویش توانستند خود را به عنوان رویکرد سیاسی غالب در جامعه معرفی کنند. رویکرد اصول‌گرایی با دال تهاجم فرهنگی در مواجهه نرم‌افزاری با رویکرد دوم خرداد، اصلاح‌طلبان را عامل تهاجم فرهنگی قلمداد کرد که می‌خواهند ارزش‌های اصیل اسلامی را نابود کنند، ولی روحانیت حافظ این ارزش‌هاست و از آنها در مقابل اصلاح‌طلبان دفاع می‌کند. از منظر رویکرد اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبان درصدد بودند تا رویکرد انقلاب را قلب ماهیت کنند و سوژه‌ها را با ترسیم یک فضای اسطوره‌ای دیگر و پرداختن یک تصور اجتماعی در فضای رویکرد دیگری مفصل‌بندی سازند. این اقدام بر این مبنا بود که طراحان رویکرد اصول‌گرایی، ضمن سلب مشروعیت از رویکرد اصلاح‌طلبی به خاطر اینکه از منظر آنها بعضی از اصول و مبانی انقلاب و نظام اسلامی را

درنوردیده بود، رویکرد خویش را به منزله اصل و متن انقلاب و نظام اسلامی ترجمه و تفسیر و بر آرمان‌های اصلی نظام اسلامی مبتنی سازند.

بسیاری از رویدادهای اجتماعی ایران در سال‌های اخیر حاصل تلاش دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی برای حفظ معنای «خودی» و طرد معنای «دیگری» بوده است. این دو رویکرد با تعیین اهداف مدنظر خویش، مفصل‌بندی سیاسی خود را شکل داده و در رقابت با طیف رقیب، تلاش دارند با برنامه‌های مختلف در راستای حصول این اهداف حرکت کنند.



شکل ۱. مفصل‌بندی سیاسی رویکرد اصول‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران



شکل ۲. مفصل‌بندی سیاسی رویکرد اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران

۴. یافته‌ها

۴-۱. حق حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران

حاکمیت، قدرت برتر یا صلاحیت مستقر و پایدار اجرای امر زمامداری است (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۱۸). مبانی حاکمیت بارزترین مرز تفکیکی و تشخیصی حاکمیت تئوکراسی^۱ است. به‌طور کلی و ماهوی حاکمیت به دو دسته تئوکراتیک (الهی) و دموکراتیک (ملی) تقسیم می‌شود (همان، ص ۳۵). هر دو رویکرد، حق حاکمیت را از آن خداوند می‌دانند، اما از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی این حق به مردم واگذار شده است (مرتجی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۹).

۴-۲. نوع حکومت

هر دو رویکرد به حکومت جمهوری اسلامی معتقد هستند که براساس جمهوریت و اسلامیت بنا نهاده شده است، اما در رویکرد اصول‌گرایی بر بعد اسلامیت و حکومت عدل اسلامی تاکید بیشتری می‌شود (همان، ص ۴۸)، در حالی که رویکرد اصلاح‌طلبی معتقد است جمهوریت و اسلامیت، دو پایه هم‌تراز برای جمهوری اسلامی هستند و باید به این ابعاد، به شکل مساوی توجه شود.

۴-۳. حکومت اسلامی و دموکراسی

رویکرد اصول‌گرایی معتقد است که اسلام با دموکراسی به مثابه ارزش نمی‌تواند تلائم و سازگاری داشته باشد، اما اگر دموکراسی به مثابه روش در نظر گرفته شود، اسلام به رأی و انتخاب اکثریت ارجح می‌نهد، به شرطی که در چارچوب دین و آموزه‌های دینی قرار گیرد. این شکل از دموکراسی، مردم‌سالاری دینی نام دارد. دموکراسی و محو روابط و مناسبات غیر دموکراتیک، جزئی از ذات اندیشه اصلاح‌طلبی است و از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی میان حکومت اسلامی و دموکراسی تضاد و تعارضی وجود ندارد.

اصلاح‌طلبان معتقدند که دموکراسی، حقوق بنیادین را برای شهروندان خود تضمین کرده و یک سلسله آزادی فردی را برای شهروندان تامین می‌کند، حداکثر فرصت را برای

افراد در اعمال حق تعیین سرنوشت فراهم آورده و برابری سیاسی را رواج می‌دهد (دال، ۱۳۸۹، ص ۸۸-۸۷).

۴-۴. حفظ نظام

یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصول‌گرایی، حفظ نظام جمهوری اسلامی است که از منظر این رویکرد، بزرگ‌ترین واجب شرعی و رکن اساسی برای رسیدن به آزادی‌های مشروع و قانونی می‌باشد. از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی، حفظ کلیت نظام جمهوری اسلامی، عرق ملی محسوب شده و تلاش در این زمینه یک امر عقلانی است.

۴-۵. پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی

ارزش‌ها، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصول‌گرایی بوده و پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی از دغدغه‌های اصلی این رویکرد می‌باشد و با این بینش قوی در راه دفاع از ارزش‌ها و مبارزه با دشمنان حاضرند جان خود را نیز تقدیم کنند. از منظر رویکرد اصول‌گرایی، اباحه‌گری یا همان بی‌اعتقادی و یا بی‌اعتنایی به دین و ارزش‌های اخلاقی، شایع‌ترین خطری است که اکنون ملت ایران را تهدید می‌کند.

رویکرد اصلاح‌طلبی، هدف خویش را استوار کردن پایه‌های دینداری و معنویت و تقویت نظام می‌داند و معتقد است که هیچ‌کس حق ندارد دستاوردهای ارزشی را که متعلق به نظام است، به نفع جناح خود مصادره کند (خاتمی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳). از منظر اصلاح‌طلبان، عوامل فقر و مشکلات معیشتی ناشی از بی‌عدالتی و رعایت نکردن حقوق شهروندی، در شکل‌گیری اباحه‌گری نقش ویژه‌ای دارند (نریمانی، ۱۳۹۲).

۴-۶. ولایت فقیه

مساله «ولایت فقیه»، یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی است که بحث و گفتگو درباره آن از دو جهت ضروری می‌باشد:

اول. ولایت فقیه سنگ بنای نظام جمهوری اسلامی بوده و لازم است هر مسلمان انقلابی این اصل را بشناسد و بر مدار آن حرکت کند،

دوم. دشمنان اسلام فهمیده‌اند که ظلم‌ستیزی انقلاب و نظام اسلامی، از این اصل مهم و مترقی سرچشمه گرفته است و برای منحرف ساختن چنین نظام و انقلابی، باید به قلب

نیرودهنده و ستون استوار آن هجوم برند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱).

ولایت، دال مرکزی در مفصل‌بندی رویکرد اصول‌گرایی بوده و ولایت فقیه در این رویکرد، به مثابه نخ تسبیح نظام اسلامی است. از منظر اصول‌گرایان، ولایت فقیه، تداوم ولایت نبی مکرم اسلام (ص) و زمامدار امور امت اسلامی در زمان غیبت امام زمان (عج) به نیابت از آن حضرت است (مرتجی، ۱۳۷۸، ص ۴۳-۴۲)

به باور آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی، ولایت فقیه یک مساله انتخابی نیست، بلکه یک مساله تشخیصی است (دارابی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۲).

از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی، ولایت فقیه یک نظریه فقهی است که به دلیل حضور در قانون اساسی به یک اندیشه سیاسی تبدیل شده است. لذا، مادامی که نظام سیاسی مستقر با خواست اکثریت مردم تغییر نکرده است، اصلاح‌طلبان ضمن ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی، عملاً خود را ملتزم به این قانون و اصول مندرج در آن می‌دانند (تریون زمانه، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۲).

به باور عبدالکریم سروش به عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران فکری جریان اصلاح‌طلب، جهان جدید درک درستی از مفهوم ولایت و حکومت اسلامی ندارد، زیرا حکومت ولایت فقیه مبتنی بر تکلیف است، در حالی که ذهنیت بشر جدید در فلسفه‌های جدید، حکومت مبتنی بر حق و مسبوق به حقوق آدمیان است (دارابی، ۱۳۹۷، ص ۵۲۴-۵۲۵).

۴-۷. انتخاب ولی فقیه

از منظر رویکرد اصول‌گرایی، خبرگان، ولی فقیه را کشف می‌کنند و مردم در تعیین آن نقشی ندارند، ولی فقیه منتصب از جانب خداوند بوده و نقش مردم فعلیت بخشیدن به آن است (مرتجی، ۱۳۷۸، ص ۶۴).

از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی، ولی فقیه در عصر غیبت باید منتخب مردم باشد و مشروعیت ولی فقیه در گرو مقبولیت مردمی است (همان، ص ۸۱).

۴-۸. اختیارات ولی فقیه

رویکرد اصول‌گرایی به ولایت مطلقه فقیه معتقد است و در برخی از مواقع که بین مصالح نهفته در دو حکم الهی تزاخم ایجاد شود، اختیارات ولی فقیه را فراتر از شرح

مندرج در قانون می‌داند، اما رویکرد اصلاح‌طلبی اختیارات ولی فقیه را محدود به قانون اساسی می‌داند (همان، ص ۷۸).

۴-۹. مسئولیت ولی فقیه در مقابل مردم

از منظر رویکرد اصول‌گرایی، ولی فقیه در مقابل خداوند مسئولیت دارد، اما از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی، همه افراد و نهادهای انتخابی و انتصابی از جمله ولی فقیه، بدون استثناء باید در مقابل مردم، مسئول و پاسخگو باشند.

۴-۱۰. تقدس ولی فقیه

رویکرد اصول‌گرایی برای ولی فقیه نوعی تقدس قائل است و وی را به واسطه ملکه راسخه عدالت و علم و تقوی، دارای نوعی مصونیت از گناه و انحراف می‌داند (همان، ص ۴۷)، اما لزوم تقدس‌زدائی از نظام سیاسی و قدرت حاکم و مخالفت با هرگونه تقدیس قدرت در نظام سیاسی مستقر و قابل نقد و استیضاح بودن قدرت در سطوح مختلف، از شاخص‌های رویکرد اصلاح‌طلبی می‌باشد و این رویکرد با مقدس پنداشتن ولی فقیه مخالف است.

۴-۱۱. منبع قدرت ولی فقیه

رویکرد اصول‌گرایی قائل به نصب بوده و معتقد است که ولی فقیه منتصب خداوند متعال بوده و منشاء قدرت او آسمانی است، اما رویکرد اصلاح‌طلبی، قدرت مسئولان مختلف از جمله ولی فقیه را ناشی از خواست و اراده ملت و در چارچوب قانون اساسی می‌داند.

۴-۱۲. جایگاه رهبری نسبت به قانون اساسی

از منظر رویکرد اصول‌گرایی، رهبری نه فوق قانون است و نه فوق عدالت و نه فوق انتقاد، اما در برخی از مواقع بین مصالح نهفته در دو حکم الهی تراحم ایجاد می‌شود و باید آنچه دارای مصلحت کمتر است، فدای حکمی شود که مصلحت برتر را داراست، لذا، از منظر رویکرد اصول‌گرایی، رهبری در صورتی که مصلحت جامعه اسلامی ایجاد کند، فراتر از قانون اساسی قرار می‌گیرد، اما اصلاح‌طلبان، نظر به تاکید قانون اساسی مبنی بر مساوی بودن رهبری در برابر قانون با سایر افراد کشور، قانون اساسی را حاکم بر همه از

جمله رهبری می‌دانند.

۴-۱۳. مردم

رویکرد اصول‌گرایی، وجود و تداوم حضور مردم را در صحنه، شرط لازم برای بقاء انقلاب می‌داند و مردم را رکن اساسی تشکیل‌دهنده و تداوم بخش حکومت قلمداد می‌کند (شفیعی‌فر، ۱۳۸۶، ص ۴۶-۳۴).

مردم در مفصل‌بندی رویکرد اصلاح‌طلبی، نقش دال مرکزی را بازی می‌کنند و در بینش اصلاح‌طلبی، انسان‌هایی صاحب حق و آزادند که می‌توانند با تبعیت از قانون به عنوان مبنای نظم اجتماعی جامعه، در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. اصلاح‌طلبان معتقدند که حکومت باید برخاسته از خواست و اراده مردم و مسئول در مقابل مردم باشد (خاتمی، ۱۳۸۰، ص ۱۴).

۴-۱۴. اصلاحات

اصلاح یا رفرم، تغییر آرام و تدریجی، مسالمت‌آمیز و روبنایی در یک نظام است که معمولاً در جامعه‌ای متعادل اتفاق می‌افتد. اصلاحات ممکن است با رسیدن به تغییرات هدفمند و منتج از نیازهای جامعه، از وقوع انقلاب جلوگیری کند (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

اصول‌گرایان در اداره امور و انعطاف در برابر تغییر، بیشتر ساختارگرا هستند و معمولاً در مقابل تغییر، مقاومت می‌کنند (خبرگزاری خبر آنلاین، ۶ آذر ۱۳۹۳) و اصلاحات از منظر آنها، حرکتی انقلابی و به معنای انقلاب در افکار، فرهنگ، اخلاق و روحیات انسان‌هاست و تغییری در جهت رشد و کمال انسان‌ها است که هم مبارزه با آداب و عادات ناپسند را لازم می‌شمرد و هم نظام‌های حاکم بر اجتماع را براساس حق و عدالت و صلاح استوار می‌دارد.

اصلاحات در بینش اصلاح‌طلبی، روشی است ساختارشکنانه و توده‌گرا که خواهان اصلاح امور است و از تغییر استقبال می‌کند (همان).

۴-۱۵. توسعه سیاسی

مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی به عنوان هدف توسعه سیاسی، خود مستلزم تحقق لوازم بلافصلی است که در حقیقت اجزای تعریف توسعه

سیاسی را تشکیل می‌دهند. از جمله مهمترین لوازم بلافصل توسعه سیاسی می‌توان به سازمان‌یابی گروه‌ها و نیروهای اجتماعی، آزادی آنها در مشارکت و رقابت سیاسی، وجود مکانیسم‌های حل منازعه نهادمند در درون ساختار سیاسی، خشونت‌زدایی از زندگی سیاسی، کیش‌زدایی از سیاست در جهت تقویت ثبات سیاسی و مشروعیت چارچوب‌های نهادی و قانونی برای رقابت و سازش سیاسی اشاره کرد (بشیری، ۱۳۸۹، ص ۱۲).

از نگاه اصول‌گرایی، شأن کنونی جامعه اسلامی ایران، تمدن‌سازی بر پایه مفاهیم اسلامی است. لذا، توسعه سیاسی باید ما را در رسیدن به تمدنی اسلامی یاری نماید. این رویکرد، توسعه سیاسی را در افزایش حضور مردم در عرصه سیاسی برای رسیدن به امکان انتخاب اصلح و ممانعت از بروز استبداد می‌بیند.

توسعه سیاسی، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصلاح‌طلبی می‌باشد. این رویکرد، در تعریف اولیه از توسعه سیاسی، آن را معادل کارآمدی تصور کرده و در زمینه چگونگی دستیابی به کارآمدی در دو حوزه ساخت سیاسی و رفتار سیاسی معتقد است که گسترش نهادهای سیاسی غیردولتی به همراه تمرکززدایی قدرت سیاسی از دولت و بازتاب تکثرگرایی در اداره جامعه از طریق دموکراسی و نمایندگی در همه وجوه آن، به کارآمدی ساخت سیاسی منجر خواهد شد و در زمینه رفتار سیاسی نیز این رویکرد به دنبال عقلانیت، مشارکت سیاسی عمومی در چارچوب احزاب سیاسی و گسترش حقوق فردی است (خبرگزاری تسنیم، ۷ مرداد ۱۳۹۴).

۴-۱۶. جامعه مدنی

بحث جامعه مدنی و دولت در واقع تعیین حدود حوزه‌ها و عرصه‌های اقتدار است، بدین معنا که جامعه تا چه اندازه می‌تواند فضای مربوط به خود را داشته و تا چه حدی دولت این حوزه را محترم می‌شمارد (قوام، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱).

جامعه مدنی، مجموعه ویژه‌ای از نهادهای مختلف غیردولتی است که می‌تواند مانع از تسلط دولت بر جامعه و منجر به فعال‌سازی سایر بخش‌های جامعه شود. اصول‌گرایان مفهوم مدینه‌النبی را هم‌ارز مفهوم جامعه مدنی قرار داده و در بازنمایی این مفهوم بر سه اصل دولت، شهروندی و مشارکت اجتماعی تاکید و در تبیین جامعه مدنی مد‌نظر خویش از مفهوم جامعه مدنی دینی استفاده می‌کنند. جامعه مدنی دینی در رویکرد اصول‌گرایی،

پلی ارتباطی میان شهروندان و دولت اسلامی با نظارت ولی فقیه است. جامعه مدنی، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصلاح‌طلبی می‌باشد. اصلاح‌طلبان نیز همانند اصول‌گرایان، در بازنمایی مفهوم جامعه مدنی بر سه اصل دولت، شهروندی و مشارکت اجتماعی تاکید کرده‌اند، اما برای تبیین آن به قوانین مردمی و دموکراتیک متوسل می‌شوند. از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی، نهادهای مدنی به منزله دریچه‌ها و منافذ تنفسی جامعه برای استنشاق هوای آزادی و عدالت به شمار می‌آیند.

۴-۱۷. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون و تبعیت از قانون اساسی، به عنوان اساسنامه نظام جمهوری اسلامی و سند مکتوب انقلاب اسلامی که حاوی همه آرمان‌ها و اصول مبنایی و به عنوان میثاق ملی، مستند زمامداری و مبنای عمل و جهت دهنده حرکت کشور و دولت‌های مختلف است، مقبول و محور فعالیت‌های رویکرد اصول‌گرایی است.

حاکمیت قانون، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصلاح‌طلبی می‌باشد. در این رویکرد، قانون و عدالت بر مصلحت‌اندیشی رجحان دارد و اصرار به قانون‌گرایی و توسل به روش‌های مدنی، از ویژگی‌های بارز اصلاح‌طلبان است.

۴-۱۸. آزادی

رویکرد اصول‌گرایی به آزادی به عنوان امتیازی نگاه می‌کند که حکومت به مردم می‌دهد. این رویکرد بر آزادی افراد تا حدی که به حقوق دیگران و ارزش‌های بنیادین جامعه اسلامی ضرری نرساند و از دایره قانون و مقررات اسلامی خارج نشود، تأکید می‌کند.

حفظ نظام جمهوری اسلامی، پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی و حرکت در راستای حصول آرمان‌های انقلاب، محورهای اصلی رویکرد اصول‌گرایی می‌باشند و عدول از آنها به مثابه عبور از خطوط قرمز نظام اسلامی است.

رویکرد اصول‌گرایی، حصر خانگی یا ممنوع‌التصویر کردن افرادی که از خطوط قرمز نظام عبور می‌کنند را نقض‌کننده و نافی آزادی‌های فردی نمی‌داند.

رویکرد اصلاح‌طلبی، آزادی را عطیه الهی و حق طبیعی مردم می‌داند و جیره‌بندی آزادی‌های فطری و سیاسی را مجاز نمی‌داند و معتقد است که آزادی حقی است که به

موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند، مشروط بر آنکه آسیب و زیانی به دیگران وارد نسازند.

رویکرد اصلاح‌طلبی، استبداد را نقطه مقابل مردم‌سالاری می‌داند و معتقد است که برای تامین و تضمین آزادی در جامعه، باید استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی را محو کرد و زمینه‌سازی لازم در سلوک و رفتار اجتماعی به منظور مسدود کردن تمام ابواب و منافذ استبداد انجام شود.

رویکرد اصلاح‌طلبی، آزادی بیان، آزادی پس از بیان، آزادی اجتماعات و حق اعتراض، آزادی قلم و اندیشه و وجود مطبوعات مستقل را مصادیق دموکراسی رسانه‌ای می‌داند و با رانت اطلاعاتی، فیلتر کردن، سانسور کردن، قطع و یا محدود کردن مجاری اطلاع‌رسانی، حصر کردن و ممنوع‌التصویر کردن دگراندیشان مخالف است.

در اندیشه اصلاح‌طلبی، اصالت خطوط قرمز و حدود و ثغور آنها ناشی از قانون و محدود به منافع ملی، تمامیت ارضی و حقوق ملت است.

اصلاح‌طلبان معتقدند که از جمله مهم‌ترین اقدامات برای جلب اعتماد جامعه و تقویت حس همبستگی ملی، اعلام عفو عمومی و رفع حبس و حصر منتقدان سیاسی و چهره‌های مورد احترام ملت است.

اصلاح‌طلبان، نقض حقوق و آزادی‌های قانونی و تحمیل محرومیت‌ها و محدودیت‌های ناموجه و غیرقانونی، اداره امور براساس تفاسیر مغایر با روح قانون اساسی، عدم تناسب مسئولیت‌ها و اختیارات بسیاری از نهادها و وجود نهادهای موازی و نظارت ناپذیر را از عمده مشکلات جامعه می‌دانند (خبرگزاری ایرنا، ۱۶ مرداد ۱۳۹۷).

۴-۱۹. حزب

از نظر شهید بهشتی، آن تشکیلات سیاسی و اجتماعی اسلامی که بتواند طرح و برنامه هماهنگ و نقطه‌نظرها و موضع‌گیری‌های هماهنگ و کادر هماهنگ را بوجود بیاورد، حزب بوده و به این معنا از ضروریات زندگی اجتماعی است (دارابی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۸).

از منظر رویکرد اصول‌گرایی، حزب مادامی که در چارچوب ضوابط دینی، قانونی، مصالح جامعه و نظام اسلامی، اصول و ارزش‌های انقلاب، خط امام و رهنمودهای مقام معظم رهبری باشد و از اختلاف و آسیب‌ها جلوگیری نماید، مطلوب است. اصول‌گرایان

معتقدند که تحزب به وحدت ملی خدشه وارد کرده و هبستگی ملی را به نفع همبستگی حزبی مصادره می‌کند، زمینه‌های واگرایی و پراکندگی نیروهای سیاسی را فراهم می‌آورد، آزادی فردی را مخدوش کرده و آزادی عمل را از فرد سلب می‌نماید و جامعه به واسطه فعالیت احزاب، سیاست‌زده می‌شود (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ص ۴۴۰-۴۳۷).

رویکرد اصلاح‌طلبی بر ضرورت فعالیت احزاب به عنوان چرخ‌دنده و ستون فقرات دموکراسی در نظام سیاسی تاکید می‌کند و تحزب را از ارکان اساسی توسعه سیاسی می‌داند (عالم، ۱۳۷۳، ص ۳۴۸-۳۴۵).

رویکرد اصلاح‌طلبی، آموزش سیاسی جامعه و بالا بردن آگاهی سیاسی افراد را از کارویژه‌های مهم احزاب می‌داند و معتقد است که احزاب، واسطه میان حکومت و مردم هستند و با در نظر گرفتن عملکرد و رفتار دولت‌مردان، مجموعه عملکرد نظام سیاسی را زیر نظر داشته و رفتارهای نامناسب حکومت را مورد نقد قرار می‌دهند.

اصلاح‌طلبان معتقدند که وظیفه احزاب، سهمیم کردن تمام افراد در قدرت سیاسی جامعه است و با وجود احزاب، روند قانونمندی برای دستیابی افراد جامعه به قدرت سیاسی فراهم آمده و قدرت سیاسی از حالت انحصاری برای یک گروه یا قشر خاصی خارج می‌شود و از طرفی دیگر افراد تعلیم دیده و زبده سیاسی در احزاب پرورش می‌یابند (عاصف، ۱۳۸۷، ص ۴۴-۴۳).

۴-۲۰. تساهل و تسامح

از منظر رویکرد اصول‌گرایی، اگر آراء، رفتار و کردار مخالفان تنها با منافع شخصی انسان اصطلاح داشته باشد و گذشت و مدارا هم با ظلم‌پذیری و ذلت همراه نباشد، شایسته است که انسان تساهل به خرج داده و شیوه مسالمت‌آمیز در پیش گیرد و از حق خویش صرف‌نظر نماید، اما اگر پای مصالح عمومی و منافع ملی در میان است و در صورت تساهل و تسامح، ارکان دینی به خطر می‌افتد یا موجب شکسته شدن حدود الهی یا تضییع حقوق دیگران می‌شود، تساهل و تسامح به هیچ وجه جایز نیست و باید از آن جلوگیری شود (شفیعی، ۱۳۸۰، ص ۵۰-۲۸).

اصلاح‌طلبان معتقدند که تساهل و تسامح، آنگونه رفتاری است که صرفاً به تحمل عقاید مخالف قناعت نکند، بلکه از روی آگاهی و اقتدار و با سعه صدر، به صاحبان آن

عقاید و جریانات سیاسی مخالف، امکان ابراز وجود و اظهار نظر بدهد و وجود تکثر و تنوع عقاید و افکار را بپذیرد (فولادی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸-۱۰۰).
از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی، این شیوه سیاسی حکومت، ابزاری توانمند برای کاهش تضادها و مهار بحران‌ها در جامعه می‌باشد.

۴-۲۱. مشارکت سیاسی

رویکرد اصول‌گرایی، مشارکت سیاسی مردم را غیرنهادی و عمدتاً در شرکت در راهپیمایی‌ها، نماز جمعه، حمایت از مسئولان و مواردی از این قبیل می‌داند و به مشارکت سیاسی مردم به عنوان یک تکلیف نگاه می‌کند.

از منظر رویکرد اصلاح‌طلبی، مشارکت سیاسی مردم باید به صورت نهادی و در چارچوب احزاب و سازمان‌ها صورت گیرد. این رویکرد، مشارکت سیاسی را حق مردم می‌داند و وجود نهادهای مدنی را برای سازماندهی و اثربخشی مشارکت سیاسی مردم، لازم و موثر دانسته و آزاد بودن مجاری اطلاع‌رسانی را برای افزایش آگاهی سیاسی مردم لازم می‌داند.

اصلاح‌طلبان معتقدند که به منظور حل بنیادین مشکلات و بحران‌های جامعه باید از قرائت‌های انحصارگرایانه از نظام اسلامی به نفع برداشت‌های مردم‌سالارانه و سازگار با مقتضیات جهان جدید چشم پوشید و تفاسیر فراقانونی و مطلق‌گرایانه از اصول قانون اساسی ناظر به اختیارات ارکان حکومت را کنار گذاشت، از اعمال محدودیت‌های فراقانونی علیه ملت دوری جست و از رویکرد امنیتی به عرصه فعالیت‌های حزبی و مدنی اجتناب کرد (خبرگزاری ایرنا، ۱۶ مرداد ۱۳۹۷).

۴-۲۲. نظارت استصوابی

رویکرد اصول‌گرایی معتقد است که فلسفه نظارت، اصلاح امور و جلوگیری از مفاسد و انحرافات بوده و این تنها با نظارت فعال و استصوابی امکان‌پذیر است.

از منظر رویکرد اصول‌گرایی، نظارت استصوابی شورای نگهبان، مهم‌ترین ابزار حفظ پاسداری از آراء مردم و صیانت از حقوق ملت در برابر تبلیغ و تحریف عناصر ناصالح است و این خاصیت را دارد که باعث می‌شود مردم از بین عناصر صالح دست‌چین شده توسط شورای نگهبان، عناصر اصلاح را برگزینند (مرتجی، ۱۳۷۸، ص ۵۱-۵۰).

اصلاح‌طلبان، اعمال نظارت استصوابی بر انتخابات از سوی شورای نگهبان را بر خلاف موازین شرعی و قانونی می‌دانند و با استناد به قانون اساسی که همه نهادها را در برابر مردم یا نمایندگان آنها پاسخگو می‌داند، معتقدند شورای نگهبان حق ندارد بدون در اختیار داشتن مدارکی از دستگاه‌های مسئول، مانند وزارت اطلاعات، قوه قضائیه و نیروی انتظامی، صلاحیت نامزدهای انتخاباتی را رد کند.

۴-۲۳. سیاست خارجی

در زمینه سیاست خارجی، تمایلات رویکرد اصول‌گرایی ریشه در فرهنگ ضد بیگانه دارد. دغدغه و نگرانی اصول‌گرایان از اجنبی و بیگانه به سبب نگرانی از تحول در فرهنگ سنتی و دینی است که سنگر اصلی آنها محسوب می‌شود (دارابی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶-۱۲۵). از منظر رویکرد اصول‌گرایی، منطقی که باید در سیاست خارجی حاکم باشد، تاثیر عوامل داخلی به عنوان تاسیس و تثبیت یک سامان سیاست خارجی منسجم است و راهبرد سیاست خارجی نباید در تقابل با ارزش‌ها و هویت واقعی انقلاب اسلامی قرار بگیرد و کسب پرستیژ و اعتبار بین‌المللی نباید بر هویت واقعی که همان اولویت ارزش‌هایی چون استکبارستیزی و دفاع از مسلمانان جهان است، ارجحیت پیدا کند. این رویکرد، خود را پایبند به رعایت اصول سیاست خارجی مندرج در قانون اساسی می‌داند و نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال همه جانبه کشور و چگونگی تعامل با دول غیر محارب را به عنوان اساس برنامه‌های راهبردی خویش در عرصه سیاست خارجی لحاظ می‌کند.

راهبرد سیاست خارجی اصلاح‌طلبان بدین شکل است که با محترم شمردن عقاید و فرهنگ‌های مختلف، تلاش می‌کنند تا یک الگوی تعاملی و مصالحه‌جویانه را به جای الگوی تقابلی که منجر به تعارض و بروز مناقشه در روابط با دیگر کشورها می‌شود، بکار گیرند.

اصلاح‌طلبان معتقدند که تعدد کانون‌های تصمیم‌گیری و دخالت نظامیان در عرصه دیپلماسی کشور و خارج کردن امور برخی مناطق جهان از حوزه اختیارات دستگاه دیپلماسی رسمی کشور، سیاست خارجی ایران را نامنسجم و پرهزینه و کشورهای خارجی را نسبت به مواضع رسمی نظام، مردد ساخته است.

اصلاح‌طلبان با تاکید بر اینکه مسئول سیاست خارجی کشور وزارت امور خارجه است،

عنوان می‌کنند که اگر هدف ما از دیپلماسی خارجی، استفاده از ظرفیت‌های موجود در عرصه بین‌المللی در جهت مصالح و منافع ملی است، باید به صلاحیت‌های حرفه‌ای دستگاه دیپلماسی رسمی کشور احترام گذاشته شود و به موازی‌کاری‌ها و دخالت‌های غیرمرتبط با سیاست خارجی به ویژه نهادهای نظامی - امنیتی در این حوزه پایان داده شود (خبرگزاری ایرنا، ۱۶ مرداد ۱۳۹۷)

۴-۲۴. استقلال

با پیروزی انقلاب اسلامی، ملت ایران به یکی از آرزوهای دیرین خود یعنی «استقلال» رسید و دیگر اجازه نداد بیگانگان با تحقیر و سلطه خود سرنوشت کشور را رقم بزنند و در امور داخلی ایران دخالت کنند (نصری، ۱۳۹۳، ص ۸۶).

استقلال، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصول‌گرایی است. اصول‌گرایان ماهیت نظام‌های غربی و شرقی را مخالف استقلال عمل و حاکمیت بر سرنوشت کشورهای مستقل دانسته و هدف اصلی این نظام‌ها در هر رابطه و تعاملی را تداوم سلطه آنها می‌دانند. بر همین اساس، وابسته نبودن به قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر جهانی و شرکت نکردن در قطب‌بندی‌های جهانی را به عنوان مظهر استقلال‌طلبی تلقی می‌کنند.

استقلال کشور برای اصلاح‌طلبان مهم است، اما حفظ آن را منوط به عدم برقراری رابطه و تعامل با کشورهای دیگر نمی‌دانند، حتی اتخاذ سیاست تقابل و عدم تعامل با سایرین را عامل تهدیدکننده استقلال کشور از جانب دشمنان نظام می‌دانند.

۴-۲۵. استکبارستیزی

استکبارستیزی، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصول‌گرایی است. از منظر رویکرد اصول‌گرایی، ماهیت نظام جمهوری اسلامی، استکبارستیزی است و اگر این مؤلفه از نظام جدا شود، ماهیت خود را از دست خواهد داد. آنها معتقدند که نظام بدون استکبارستیزی، اسلامیت خود را از دست خواهد داد. جمهوری اسلامی از لحاظ عقاید، زیرساخت‌ها، مبانی و اصول انقلابی با استکبار تفاوت ماهیتی دارد و هویت انقلابی اجازه سازش با کفر و استکبار را نمی‌دهد (خبرگزاری رسا، ۱۱ آبان ۱۳۹۸).

نفی هرگونه استبداد، خودکامگی، انحصارطلبی، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری، ستمگری و ستم‌کشی جزئی از تفکر اصلاح‌طلبی و ذات نظام جمهوری اسلامی است.

۴-۲۶. ایجاد پایگاه‌های فکری (صدور انقلاب)

صدور انقلاب، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصول‌گرایی است. از منظر این رویکرد، جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است.

الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی رویکرد اصول‌گرایی، ایجاد و معرفی دولت عدل اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۰-۱۲۳).

اصلاح‌طلبان معتقدند که صدور انقلاب به معنای دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر است و عقاید و فرهنگ‌های مختلف باید محترم شمرده شوند و ما باید با اثبات کارآمدی و اثربخشی مدیریت خویش در عرصه داخلی و تامین رضایت و رفاه مردم از طریق حاکمیت قانون، برقراری عدالت و بکارگیری نخبگان تلاش نمائیم الگویی مناسب از انقلاب و مدیریت نظام اسلامی ارائه دهیم.

۴-۲۷. تنش‌زدایی

تنش‌زدایی به مثابه مهم‌ترین اصل در روابط بین‌الملل با توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز و نوسازی روانی در سطح بین‌المللی و فعال کردن دیپلماسی از طریق گفتگوی دوجانبه و چندجانبه امکان‌پذیر است (ازغندی، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

از منظر رویکرد اصول‌گرایی، تنش‌زدایی و تعامل با دول محارب، با سیاست‌های نظام، تقابل جدی دارد، چرا که تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل بر ضرورت پرهیز از درگیری ایدئولوژیک تاکید دارد، در حالی که ویژگی اصلی سیاست خارجی ایران ایدئولوژیک بودن آن است.

تنش‌زدایی، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصلاح‌طلبی و به معنای روی آوردن به نوعی سیاست خارجی است که مبتنی بر سازگاری، هم‌زیستی و همکاری در روابط با کشورهای دیگر می‌باشد. اصلاح‌طلبان تلاش دارند در پرتو تنش‌زدایی، مناقشات و تنش‌ها را برطرف و روابط خود را با دیگر کشورها توسعه دهند و تعامل و برخوردهای دوستانه را جایگزین روابط خصمانه و تقابلی نمایند.

۴-۲۸. تعامل مسالمت‌آمیز

روابط حسنه و صلح‌آمیز متقابل با دُول غیر محارب جزو برنامه‌های راهبردی رویکرد اصول‌گرایی می‌باشد. تعامل مسالمت‌آمیز، یکی از دال‌های اصلی در مفصل‌بندی رویکرد اصلاح‌طلبی است. اصلاح‌طلبان معتقدند که زبان گفتمان بین ادیان آسمانی، تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، گفتگوی سازنده و همکاری براساس اصول مشترک است و به غیر از دولت‌های استکباری و محارب که به تبعیت از قرآن کریم، روایات اسلامی و سیره معصومین(ع)، باید در مقابل آنها ایستادگی کرد و به مقابله همه‌جانبه با آنها پرداخت، نباید اساس تعامل با کشورهای غیراستکباری و مردم غیرمسلمان، جنگ و نزاع و حذف آنان باشد، بلکه باید با کشورها و ملت‌های غیرمسلمانی که با امت اسلامی حالت جنگ و ستیز ندارند و خواهان روابط مسالمت‌آمیز با مسلمانان هستند و حاضرند همکاری‌های دوجانبه در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشند، تعامل مسالمت‌آمیز داشت.

۴-۲۹. رابطه با آمریکا

آمریکا طی سال‌های گذشته در تعیین اولویت‌ها و سیاست‌هایش در خاورمیانه و روابط دو جانبه با اعراب و سایر دول منطقه، حفظ و تضمین جریان نفت از خاورمیانه به مراکز مهم سیاسی-تجاری در غرب، جلوگیری از گسترش نفوذ رقبا، حفظ امنیت و رونق اقتصادی اسرائیل، ارائه کمک‌های مالی و نظامی و حفظ توازن تسلیحاتی در خاورمیانه را به عنوان خط‌مشی اصلی خویش برگزیده است و ایران به عنوان مانع اصلی در تحقق این استراتژی‌ها، در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (میلتون ادوارد و هینچ کلیف، ۱۳۸۵، ص ۴۹-۴۸). اتخاذ این سیاست‌ها از جانب آمریکا و ایران باعث بروز تقابل بین آن دو در عرصه‌های مختلف بین‌المللی و اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ملت ایران شده است.

رویکرد اصول‌گرایی مخالف برقراری رابطه با آمریکا بوده و آمریکا را شیطان بزرگ و غیر قابل اعتماد می‌داند. اصول‌گرایان معتقدند که براساس تجربه، مذاکره با آمریکا سم مضاعف است، چون نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و هرگونه مذاکره و رابطه‌ای با آنها به خاطر خوی شیطانی و سلطه‌طلبی که دارند، سازش‌کارانه و ذلت‌پذیر خواهد بود.

اصلاح‌طلبان در راستای اجرای سیاست خارجی مدنظر خویش، در پی تنش‌زدایی در

عرصه روابط خارجی بوده و با برقراری رابطه با آمریکا مخالف نیستند و معتقدند که باید به منظور حل مشکلات و معضلات جامعه، با نگاه و رویکرد ملی، در سیاست‌های کلان کشور تجدیدنظر شود و با برگزاری رفراندوم در زمینه برقراری رابطه با آمریکا، به شعور مردم و قدرت تشخیص جامعه، احترام گذاشته شود (خبرگزاری ایرنا، ۱۶ مرداد ۱۳۹۷).

۴-۳۰. گروه ویژه اقدام مالی^۱

از منظر اصول‌گرایان، لوایح FATF، کنوانسیون استعماری هستند و مهم‌ترین خواسته FATF و هسته اصلی برنامه اقدام، پیوستن ایران به دو کنوانسیون پالمو و CFT می‌باشد و دلیل این همه اصرار برای پیوستن ایران به این کنوانسیون‌ها نیز، ایجاد شفافیت مالی برای طرف‌های غربی و کشف راه‌های دور زدن تحریم‌ها از جانب ایران است (همان، ۴ دی ۱۳۹۸).

اصلاح‌طلبان معتقدند که FATF نهادی بین‌الدولی است و مزایای پیوستن به آن به مراتب بیش از معایب احتمالی آن است و در صورت عدم همکاری با آن، نه تنها تحریم‌های اقتصادی نامشروع آمریکا برطرف نمی‌شود، بلکه این تحریم‌ها مشروع جلوه خواهد کرد. آنها بر این باورند که عده‌ای در داخل کشور، کاسبان تحریم‌اند و تلاش می‌کنند که مانع لغو تحریم‌ها شوند، لذا به منظور رفع تحریم‌ها لازم است که به موازی‌کاری‌ها و دخالت نهادهای غیرمرتبط با سیاست خارجی به ویژه نهادهای نظامی - امنیتی در این حوزه پایان داده شود (همان، ۱۶ مرداد ۱۳۹۷).

۵. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که اصول‌گرایان، حفظ نظام جمهوری اسلامی را بزرگ‌ترین واجب شرعی و رکن اساسی برای رسیدن به آزادی‌های مشروع و قانونی می‌دانند. پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی را سرلوحه اعمال و رفتارشان قرار داده و این معیار را از مولفه‌های انقلابی بودن قلمداد می‌کنند. وابسته نبودن به قدرت‌های سلطه‌گر جهانی را مظهر استقلال‌طلبی تلقی می‌کنند و معتقدند که جمهوری اسلامی از لحاظ عقاید،

1. FATF

زیرساخت‌ها، مبانی و اصول انقلابی با استکبار تفاوت ماهیتی دارد و هویت انقلابی اجازه سازش با کفر و استکبار را نمی‌دهد. همچنین، الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی رویکرد اصول‌گرایی، به معنای ایجاد و معرفی دولت عدل اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران است و به شدت به کار گرفته می‌شود.

تحلیل مواضع سیاسی اصول‌گرایان اینگونه است که آنها تلاش می‌کنند در حوزه داخلی با گرد آمدن حول محور ولایت و با تاکید بر حفظ نظام و پابندی به اصول و ارزش‌های اسلامی، خود را به عنوان صاحبان اصلی انقلاب و نظام اسلامی معرفی نمایند و در رقابت با اصلاح‌طلبان، با معرفی آنها به عنوان طرفداران اباحه‌گری و کسانی که به اصول و ارزش‌های اسلامی پایبند نیستند، آنها را از مسند قدرت پایین کشیده و نظام معنایی خویش را برجسته سازند و همچنین در حوزه خارجی با تاکید بر استقلال، استکبارستیزی و ایجاد پایگاه‌های فکری، تلاش می‌کنند اصلاح‌طلبان را غرب‌گرا و دلبسته غرب نامیده، تا از این طریق دال‌های رویکرد اصلاح‌طلبی را به حاشیه رانده و هژمونی دال‌های مدنظر خویش را تداوم بخشند.

همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که اصلاح‌طلبان، نهادهای مدنی را به منزله دریچه‌ها و منافذ تنفسی جامعه برای استنشاق هوای آزادی و عدالت به شمار می‌آورند و معتقدند که قانون و عدالت بر مصلحت‌اندیشی رجحان دارد و به قانون‌گرایی و توسل به روش‌های مدنی در حوزه‌های اجرایی، تقنینی، قضایی اصرار دارند. سیاست خارجی اصلاح‌طلبان مبتنی بر تنش‌زدایی، سازگاری، همزیستی و همکاری است و تلاش می‌کنند که در روابط خود با کشورهای دیگر، تعامل و برخوردهای دوستانه را جایگزین روابط خصمانه و تقابلی نمایند. اصلاح‌طلبان معتقدند که به غیر از دولت‌های استکباری و محارب که باید در مقابل آنها ایستادگی کرد، باید با کشورها و ملت‌های غیرمسلمانی که خواهان روابط مسالمت‌آمیز با مسلمانان هستند، تعامل مسالمت‌آمیز داشت.

تحلیل مواضع سیاسی اصلاح‌طلبان اینگونه است که آنها تلاش می‌کنند در حوزه داخلی با حمایت از نهادهای مدنی و اصرار بر قانون‌گرایی، به ایجاد جامعه مدنی و استقرار حاکمیت قانون دست یابند و در رقابت با اصول‌گرایان، به آنها برچسب انحصارطلبی و تمامیت‌خواهی زده و با معرفی آنان به عنوان نقض‌کنندگان حقوق شهروندی و سلب‌کنندگان آزادی‌های

قانونی مردم، به دنبال هژمون کردن دال مردم‌گرایی خویش می‌باشند و همچنین در حوزه خارجی با روی آوردن به سیاستی مبتنی بر تنش‌زدایی و تعامل مسالمت‌آمیز، تلاش می‌کنند سیاست خارجی اصول‌گرایان را به عنوان سیاستی تقابلی و تنش‌زا معرفی نمایند تا از این طریق، دال‌های رویکرد اصول‌گرایی را به حاشیه رانده، نظام معنایی خویش را برجسته نمایند و زمینه گسترش پایگاه مردمی خویش در داخل و افزایش مقبولیت خود در عرصه‌های بین‌المللی را فراهم نمایند.

نتایج حاصل از مقایسه مواضع سیاسی دو رویکرد نشان می‌دهد که دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، در زمینه‌های نوع حکومت، حفظ نظام، پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی، اهمیت و نقش مردم، حاکمیت قانون، استقلال و استکبارستیزی دیدگاه‌های مشابهی دارند و در زمینه‌های حق حاکمیت، سازگاری حکومت اسلامی با دموکراسی، اهمیت و نقش ولایت‌فقیه، نحوه انتخاب ولی‌فقیه، میزان اختیارات ولی‌فقیه، مسئولیت ولی‌فقیه، تقدس ولی‌فقیه، منبع قدرت ولی‌فقیه، جایگاه رهبری نسبت به قانون اساسی، اصلاحات، توسعه سیاسی، جامعه مدنی، آزادی، تحزب، تساهل و تسامح، مشارکت سیاسی، نظارت استصوابی، سیاست خارجی، صدور انقلاب، تنش‌زدایی، تعامل مسالمت‌آمیز، رابطه با آمریکا و گروه ویژه اقدام مالی مواضع متفاوتی اتخاذ می‌کنند.

تحلیل یافته‌های حاصل از مقایسه مواضع سیاسی دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی اینگونه است که هویت‌ها، غیریت‌ها و رقابت‌ها در منظومه فکری اصول‌گرایان، حول مفهوم بنیادینی به نام «ولایت» شکل می‌گیرد و آنها متأثر از این بینش، به مشروعیت از بالا و یک سیستم سیاسی نسبتاً بسته اعتقاد دارند، اما متأثر از اینکه در منظومه فکری اصلاح‌طلبان، «مردم» نقش دال مرکزی را بازی می‌کنند، آنها به مشروعیت از پایین و یک سیستم سیاسی باز معتقدند، جذب و دفع در فضاهاى گفتمانی موجود نیز، تحت تاثیر این دال‌های مرکزی صورت می‌گیرد و هر کدام از این رویکردها به منظور هژمون کردن خود در عرصه سیاسی، تلاش در برجسته‌سازی نظام معنایی خود و بالتبع ساختارشکنی و به حاشیه راندن نظام معنایی رقیب دارند و در انتساب مدلول به دال‌های شناور موجود در نظام سیاسی با هم رقابت می‌کنند و با ساختارشکنی، دال رقیب را بازتعریف می‌نمایند و با جدا کردن مدلول رقیب از دال شناور و به حاشیه راندن آن، مدلول و مفهوم سازگار با نظام معنایی خویش را

برجسته و جایگزین آن می‌نمایند.

اما آنچه که در رابطه با رویکردهای سیاسی موجود مهم است، توجه به بار معنایی آنها و لزوم امتزاج آنها در راستای اهداف و اصول انقلاب و نظام اسلامی است. لذا، با توجه به نتایج این تحقیق، اینگونه نتیجه‌گیری می‌شود که:

وجود هر دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی برای پیشرفت جامعه لازم می‌باشد، لذا، باید زمینه فعالیت و رقابت سازنده آنها را فراهم نمود و برای تدوین سیاست‌های کلان نظام، با رویکرد اصول‌گرایی - اصلاح‌طلبانه تصمیم‌گیری شود تا بتوان هم در راستای توسعه سیاسی و اقتصادی جامعه گام برداشت، هم رفاه و رضایت عمومی را تأمین نمود و هم شرایط را به گونه‌ای رقم زد تا این دو رویکرد سیاسی که مبتنی بر اندیشه و تفکر انقلابی می‌باشند، چون دو بال در خدمت به نظام و انقلاب قرار گیرند و علاوه بر شور و نشاط بخشیدن به رقابت‌های میدان سیاست، نتیجه این شور و نشاط را به اقیانوس انقلاب سرازیر کنند.

۶. پیشنهادات

به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های دیگری در زمینه‌های مرتبط با رویکردهای سیاسی می‌تواند خلاء موجود در حوزه مطالعات مسائل ایران را تا حدی پر کند. در این ارتباط، زمینه‌های ذیل برای پژوهش پیشنهاد می‌شود:

* ریشه‌یابی علل بروز حوادث و نارضایتی‌های سیاسی - اجتماعی و نقش حکومت در سرکوب یا اقناع معترضین،

* تاثیر آزادی بیان بر شناسایی پتانسیل‌ها و آسیب‌شناسی کمبودها در نظام سیاسی،

* تاثیر برخورد توأم با تساهل و تسامح با اقوام و هویت‌های مختلف بر وحدت و

انسجام ملی.

منابع

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰). مبانی علم سیاست. تهران: انتشارات توس.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر قومس، چاپ چهارم.
۳. بایسته‌های توسعه سیاسی در تفکر اصلاح‌طلبان چیست؟ خبرگزاری تسنیم، ۷ مرداد ۱۳۹۴، قابل دسترس در:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/05/07/813918/>
۴. برنامه اصلاح‌طلبان برای انتخابات آینده «دوقطبی‌سازی» جامعه است. خبرگزاری رسا، ۱۱ آبان ۱۳۹۸، قابل دسترس در:
<https://rasanews.ir/fa/news/625668/>
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۹). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو، چاپ هشتم.
۶. تفاوت اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی دقیقاً در چیست؟ خبرگزاری خبرآنلاین، ۶ آذر ۱۳۹۳، قابل دسترس در:
<http://www.khabaronline.ir/amp/387379>
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ شانزدهم.
۸. حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۴). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۹. حیدری، علی (۱۳۸۹). مقایسه گفتمان‌های بعد از انقلاب: اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.
۱۰. خاتمی، سیدمحمد (۱۳۸۰). مردم سالاری. با مقدمه سیدمحمدعلی ابطی. تهران: انتشارات طرح نو.
۱۱. دارابی، علی (۱۳۹۷). جریان‌شناسی سیاسی در ایران. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ نوزدهم.
۱۲. دال، رابرت ا. (۱۳۸۹). درباره دموکراسی: سیر تحول و شرایط تحقق آن. ترجمه فیروز سالاریان. تهران: نشر چشمه.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ رادفر، پیروزه (۱۳۸۸). الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم. دانش سیاسی، دوره ۵، شماره ۲: ۱۲۳-۱۵۰.
۱۴. راهکارهای فعالان اصلاح‌طلب برای خروج از مشکلات. خبرگزاری ایرنا، ۱۶ مرداد ۱۳۹۷، قابل دسترس در:
<https://www.irna.ir/news/82994347>
۱۵. رویکرد اصلاح‌طلبانه نسبت به ولایت فقیه و منشاء مشروعیت و دامنه اختیارات او. تریبون زمانه، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۲، قابل دسترس در:
<https://www.tribunezamaneh.com/archives/21005>
۱۶. ریاحی، نوربخش (۱۳۸۷). نگرش حقوقی، تطبیق مدل‌های حاکمیت (تئوکراسی، دموکراسی، جمهوری اسلامی). یاسوج: چویل.
۱۷. شفیعی، احمد (۱۳۸۰). تساهل و تسامح در کلام و سیره امام علی(ع). مریبان، شماره ۲: ۲۸-۵۰.
۱۸. شفیعی‌فر، محمد (۱۳۸۶). اصول‌گرایی و قانون اساسی. زمانه، شماره ۵۵: ۳۴-۴۶.
۱۹. عاصف، رضا (۱۳۸۷). احزاب و گروه‌های سیاسی ایران. تهران: دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، چاپ دوم.
۲۰. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
۲۱. عیوضی، محمدرحیم؛ هراتی، محمدجواد (۱۳۸۹). درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران. قم: دفتر نشر معارف.
۲۲. فولادی، محمد (۱۳۷۹). تساهل و تسامح از منظر دین. معرفت، شماره ۳۵: ۱۰۰-۱۰۸.

۲۳. قائمی‌طلب، محبوبه (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی با تأکید بر سیاست خارجی (۱۳۷۶-۱۳۸۸). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
۲۴. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۳). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس، چاپ هفتم.
۲۵. مرتجی، حجت (۱۳۷۸). جناح‌های سیاسی در ایران امروز. با مقدمه صادق زیبا کلام. تهران: نقش و نگار، چاپ پنجم.
۲۶. میرزایی، محمد (۱۳۹۲). تحلیل تقابل گفتمانی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در انتخابات دهم ریاست جمهوری از منظر تحلیل گفتمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
۲۷. میلتون ادوارد، مورلی؛ هینچ کلیف، پیتر (۱۳۸۵). بحران در خاورمیانه. ترجمه شهرزاد رستگار شریعت پناهی. تهران: نشر قومس.
۲۸. نریمانی، سعید (۱۳۹۲). اباحه‌گری و عوامل ملی و فراملی آن را بشناسیم. پیام زن، شماره ۲۶۰.
۲۹. نصری، محسن (۱۳۹۳). ایران؛ دیروز، امروز، فردا، تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران. قم: دفتر نشر معارف.
۳۰. نگاه رسانه‌های داخلی به تبعات اقتصادی و سیاسی لوایح FATF. خبرگزاری ایرنا، ۴ دی ۱۳۹۸، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/83608036>

References

1. Abolhamd, A. (1370 AP). **Mabani Elme Seiasat**. Tehran: Entesharate Tous. [In Persian]
2. Alem, A. (1373 AP). **Bonyadhaye Elme Seiasat**. Tehran: Nashre Ney. [In Persian]
3. Asef, R. (1387 AP). **Ahzb Va Gorouhaye Seiasi Iran**. Tehran: Daneshkadeh Va Pajouheshkadeye Ettelaat Va Amneyat, Second edition. [In Persian]
4. Azghandi, A. (1386 AP). **Seiasate Khareji Jomhour Eslami Iran**. Tehran: Nashre Ghoumes. [In Persian]
5. Barnameye Eslahtalaban Baraye Entekhabate Ayandeh Do Ghotbisazeye Jamea Ast. *Khabargozari Rasa*, 11 Aban 1398 (AP), Available at: <https://rasanews.ir/fa/news/625668/>. [In Persian]
6. Bashireyeh, H. (1389 AP). **Mavaneh Towseah Seiasi Dar Iran**. Tehran: Game no, Eighth edition. [In Persian]
7. Bayestahaye Towseeh Seiasi Dar Tafakore Eslahtalaban Chist? *Khabargozari Tasnim*, 7 Mordad 1394 (AP), Available at: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/05/07/813918/>. [In Persian]
8. Dal, R.E. (1389 AP). **Darbareye Democrasi: Seire Tahavol Va Sharayete Tahaghoghe An**. Translated by Firouz salareian. Tehran: Nashre Cheshmeh. [In Persian]
9. Darabi, A. (1397 AP). **Jaryan Shenasi Seiasi Dar Iran**. Tehran: Sazmane Entesharate Pajouheshgahe Farhang Va Andisheye Eslami, Nineteenth edition. [In Persian]
10. Dehghani Firouzabadi, S.J. & Radfar, P. (1388 AP). Olgouye Sodoure Enghelab Dar Seiasate Khareji Dowlate Nohom. *Daneshe Seiasi*, Vol. 5, No.2: 123-150. [In Persian]
11. Eyvazi, M. & Harati, M.J. (1389 AP). **Daramadi Tahlili Bar Enghelabe Eslami Iran**. Qom: Daftare Nashre Maaref. [In Persian]

12. Fouladi, M. (1379 AP). *Tasahol Va Tasamoh Az Manzare Din. Maarefat*, No.35:100-108. [In Persian]
13. Ghaemitalab, M. (1389 AP). **Barraseye Tatbigheye Do Goftomane Eslahtalabi Va Osoulgarayi Ba Taakid Bar Seiaste Khareji (1376-1388)**. Master Thesis. Daneshkadeye Oloume Edari Va Eghtesad, Daneshgah Esfahan. [In Persian]
14. Ghavam, S.A. (1393 AP). **Chaleshaye Towseahye Seiasi**. Tehran: Nashre Ghoumes, Seventh edition. [In Persian]
15. Haghghat, S. S. (1394 AP). **Ravesh shenasi Oloume Seiasi**. Qom: Entesharate Daneshgah Mofid. [In Persian]
16. Heydari, A. (1389 AP). **Moghayeseye Goftomanhaye Baad Az Enghelab: Osoulgaraei Va Eslahtalabi**. Master Thesis. Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University. [In Persian]
17. Javadi Amoli, A. (1393 AP). **Velayate Faghih, Velayate Feghahat Va Edalat**. Qom: Markaze Nashre Esrae, Sixteenth edition. [In Persian]
18. Khatami, S.M. (1380 AP). **Mardomsalari**. With Introduction Seyed Mohammad Ali Abtahi. Tehran: Entesharate Tarhe No. [In Persian]
19. Milton Edward, M. & Hinch Kelif, P. (1385 AP). **Bohran Dar Khavarmeianeh**. Translated by Shahrzade Rastgare Shariat Panahi. Tehran: Nashre Ghoumes. [In Persian]
20. Mirzaei, M. (1392 AP). **Tahlile Taghabole Goftomani Osoulgaraei Va Eslahtalabi Dar Entekhabate Dahome Reyasat Jomhoury Az Manzare Tahlile Goftoman**. Master Thesis. Daneshkadeye Adabeiat Va Oloume Ensani, Daneshgah Esfahan. [In Persian]
21. Mortaji, H. (1378 AP). **Jenahaye Seiasi Dar Irane Emrouz**. With introduction Sadegh Zibakalam. Tehran: Naghsh Va Negar, Fifth Edition. [In Persian]
22. Narimani, S. (1392 AP). *Ebahegari Va Avamele Melli Va Faramelleye An Ra Beshnasim. Payame Zan*, No. 260. [In Persian]
23. Nasri, M. (1393 AP). **Iran; Dirouz, Emrouz, Farda, Tahlili Bar Enghelabe Eslami Iran**. Qom: Daftare Nashre Maaref. [In Persian]
24. Negahe Rasanehaye Dakheli Be Tabaate Eghtesadi Va Seiaseye Lavayehe FATF. *Khabargozari Irma*, 4 Dey 1398 (AP), Available at: <https://www.irna.ir/news/83608036>. [In Persian]
25. Rahkarhaye Faalane Eslahtalab Baraye Khorouj Az Moshkelat. *Khabargozari Irma*, 16 Mordade 1397 (AP), Available at: <https://www.irna.ir/news/82994347>. [In Persian]
26. Reyahi, N. (1387 AP). **Negareshe Hoghoughi, Tatbighe Modelhaye Hakemeyat (Teocrasi, Demokrasi, Jomhoury Eslami)**. Yasouj: Chavil. [In Persian]
27. Roukarde Eslahtalaane Nesbat Be Velayate Faghih Va Manshae Mashroueyat Va Dameneye Ekhtearate Ou. *Teriboune Zamaneh*, 2 Ordibehesht 1392 (AP), Available at: <https://www.tribunezamaneh.com/archives/21005>. [In Persian]
28. Shafiei, A. (1380 AP). *Tasahol Va Tasamoh Dar Kalam Va sireye Emam Ali (a). Morabbeian*,

- No.2: 28-50. [In Persian]
29. Shafieifar, M. (1386 AP). Osoulgaraei Va Ghanoune Asasi. *Zamaneh*, No.55: 34-46. [In Persian]
30. Tafavote Osoulgaraei Va Eslahtalabi Daghighan Dar Chist? *Khabargozari Khabar Anlain*, 6 Azar 1393 (AP), Available at: <http://www.khabaronline.ir/amp/387379>. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2020.1900656.1244

قاسمی، کریم؛ اقارب‌پرست، محمدرضا؛ شفیعی، اسماعیل (۱۳۹۹). مقایسه مواضع سیاسی دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران. *سیهر سیاست*، ۷ (۲۵):

ص ۴۷-۷۶